

پشت پرده ، شازده ای که میخوادشاه شود!

مسعود قهرمانی

masoud@t-online.de

اخیراً هوشنگ وزیری مصاحبه ای بارضا پهلوی و باتیتردرشت که پیش از سرنگونی میتوانم در ایران باشم ، صورت داده . که جادار دبه بخشهایی از این شش فرمان پرداخت .
از فرمایشات

* در وهله اول جنبش، مانند هر جای دیگر جهان در دوده گذشته از روشنفکران آغاز شد و به تدریج تمامی جامعه را فراگرفت و از طریق نافرمانی مدنی، حکومت‌های استبدادی در زیر فشار قرار گرفتند و جای به حکومت‌هایی سپرده اند که مشروعیت خود را از مردم میگیرند.
* شعارهایی که امروز جوانان و همه مخالفان رژیم می دهند، خوشبختانه همانهاست که من مطرح کرده ام . شعار اتحاد را فراموش نکنید که در ایران مدام تکرار می شود. شعارهای من، هم هدف را تعیین میکنند، هم راه‌های رسیدن به هدف را.

عجب ! شازده در وهله اول لطفاً بفرمایید و این جنبش روشنفکران (روشنفکران در قاموس شما) را در این دوده فقط در ایران بمانشان دهید؟ بقیه عالم را پیش کش !
پیشاهنگ کردن جنبش ملی-مذهبی و دادن پرچم آزادیخواهی بدست این جنبش، سیاست و دشمنی ذاتی و دیرینگی و همیشگی شما با طبقه کارگر و مردم آزادیخواه است!
اینکه امروز عمده از سر رژیم افتاده و جنبش روشنفکری شما جرئت پیدا کرده که نافرمانی مدنی و بدون خشونت کند! اتفاقاً محصول مبارزات هر روزه طبقه کارگر است! مدیون مبارزه بی وقفه زنان است! حاصل مبارزه جوانان و مردم آزادیخواه است که روزی در دانشگاه و روز دیگر در استادیوم روزگار رژیم را سیاه کرده اند!

شعار اتحاد هم، شعار تونیست و باقد و قواره تو و چهارچوب نظام تو هم مناقات دارد! وجهت اطلاع محضر عزیز شما این شعار قرن‌هاست شعار جنبش‌های اعتراضی بر علیه حکومت‌های مستبد و منجمله حکومت ابوی جناب عالیست که سرداده شده می شود! و امانت‌شعاری که به شما تعلق دارد و منتصب بشماست، همان شعار «مقاومت در قالب عدم خشونت است» صرف نظر از ماهیت این شعار که در تقابل با مبارزات مردمیست که با سین آنتروپ‌های عمده دار درگیرند و نیز هشداری به آنها که مبادا خدای ناکرده به ماشین دولتی کوچکترین آسیبی وارد شود! نظر شما در مورد شعار < وای به روزی که مسلح شویم > چیست؟ آیا با شعار عدم خشونت شما سرسوزنی سازش میبینی؟

باز هم از فرمایشات

* استفاده افراطی از خشونت هم نمیتواند ضامن بقای حکومت‌های استبدادی باشد. نمونه

هایش رادررومانی دیدیم، دریوگسلاوی ودرآمریکای لاتین دیدیم که سرانجام، حکومت‌های استبدادی درزیرفشارخواستهای مردم سقوط کردند.

پس شازده جان تااینجا فهمیدیم که حکومت‌های استبدادی حتی بااستفاده ازخشونت افراطی میشود باجنبش روشنفکری و باعدم خشونت درافتاد و آنرا بیزیرکشید. برآوا اینهم استدلال شازده ای که میخواهد کشوری رابه لحاظ سیاسی هم اداره کند! حال قربان تاج و تخت، میشود بفرمایید: بعد از باصطلاح حکومت‌های استبدادی دررومانی و یوگسلاوی و آمریکای لاتینی که زیر پروژکتور قرار گرفتند و با صرف آن هزینه و آن وسعت تبلیغاتی مدیا، اکنون وضعیت امروز مردم در آن کشورها چگونه است؟ آیا باندازه سر سوزنی از فقر و فلاکت مردم کم شده؟

وبازهم از فرمایشات

در پاسخ به سؤال: در مرحله نهایی در میان مردم خواهید بود، این به پیش از سقوط رژیم بر میگردد، یابه پس از سقوط رژیم؟

می فرمایند: برای من پیش بینی این امر مشکل است که کدام سناریو به صحنه خواهد آمد، ترجیح می دهم در آن لحظه در مملکت خودم باشم و سهم خود را در آنجا ادا کنم.

در برخی موارد، رهبری از خارج آغاز شد و با حرکت به سوی داخل توانست کار را به انتها برساند. بخش بزرگ جنبش مخالف با رژیم در داخل کشور است. ولی نباید فراموش کرد که نیروهای داخل بیش از این نمی توانند دست خود را باز کنند و چه بسا زیرزمینی عمل میکنند. نیروهای خارج از این حیث دست بسیار بازتری دارند و باید به عنوان مکمل نیروهای داخل عمل کنند. چه بسا که این دونیرو پیش از سرنگونی رژیم، به یکدیگر برسند.

شازده جان، جانم به قربانت تبیینی که آن باشد، باید هم پیش بینی برای مشکل باشد!

بستن دست نیرویی که شعارش وای بروزی که مسلح شویم و هدفش براندازیست، روانه اش به کنج خانه مضحک است! واگر به نیروهای خارج، یک یای ناقابل اضافه کنیم، جمله کامل و اتفاقات پشت پرده و پروژکتور ها روشن میشود. مثلاً رهبری بان نیروهای خارجی که دستش بسیار بازتر است بسمت داخل حرکت و کار را یکسره خواهد کرد! حال جمله کامل و عامه فهم تر است.

طرح مسئله خود مختاری کردها و اینکه با مجموعه ای صحبت شده هم حکایت از به توافق رسیدن و بندوبست با خیل همیشه نوکر دارد. جامعه آنتی این ویروس راهم دارد.

پیشنهادی هم به شازده

آن جامعه و مردم و کل دنیای امروز نمونه های حکومت‌های استبدادی را بیش از هر چیزی تجربه کرده اند! تاریخ مصرف سلطنت بپایان رسیده. از فانتوم جنگی ات پیاده شو لباس پادشاهی را بکن و کمی هم هوای تازه استنشاق کن! یک شبانه روزت را با انسانهای شریف سرکن، با آنها و در رختخواب آنها بخواب، با آنها کله سحر بیدار شو، با آنها استثمار شو

با آنها برای درآوردن لقمه ای نان از چنگ حکومت های استبدادی مبارزه کن و با آنها و با
با صدای پارس سک خانه برو! اگر شهامت اینرا داشتی عضو حزب کمونیست کارگری
ایران خواهی شد! اگر هم نه، همان شازده باقی خواهی ماند!
امروز آن جامعه و آن مردم و کل دنیا به منصور حکمت نیازمند است و این جنبش اعتراضی
و حزب اوست که با تمام قدرت جلوی صحنه آمده و می رود تا قدرت را دست گیرد! قطعاً
آن سناریو را که پیش بینیش برایت مشکل است سیاه خواهد بود!